



زمان و مکان زردشت

کلمه زردشت باشکال مختلف ضبط شده در اوستا

زَرَتُشْتَرَ Zarathushtra آمده و احیاناً کلمه اسپتیمه

که نام خانوادگی است بر او افزوده شده. معنی

دو کلمه را در مقاله پیش شرح دادیم. در نوشته های بهاوی زَرَتُشْت

Zaratusht نام برده شده یونانیها او را زُرُوسْتِرَ و ارامنه زَرُوشْت Zaravesht

و زَرَدَشْت Zardasht ذکر کرده اند و مورخین اسلامی باشکال مختلف

دیگری آورده اند از این قرار: زَرَتُشْت Zaratusht زَرَانَشْت Zaratusht

زَرَانَهَشْت Zaratusht زَرَدَشْت Zardusht زَرَدَشْت Zardusht

زَرَدَهَشْت Zaradusht زَرَدَشْت Zaradusht زَرَادَهَشْت Zaradusht

و زَرَاهَشْت Zarahusht. تمام این اشکال تحریف اصل کلمه اوستائی

زَرَتُشْتَرَ است. در زبان امروزه ما «زَرَدَشْت» «زَرَتُشْت» بیشتر مورد

استعمال است تا اشکال دیگر.

خود اوستا که مدرک اصلی است هیچگونه قرینه‌ای

۱ - زمان زردشت

نسبت به زمان زردشت بما ننمیدهد. از اوستا فقط

میتوان فهمید که زردشت معاصر هستاسب یا کی و یشتاسب است آیا این

کی و یشناسب همان پدرداریوش است یا نه بطور تحقیق معلوم نیست برخی گویند این هستاسپ غیر از گشتاسب پدرداریوش است و برخی دیگر بعکس. موضوع زمان زردشت مورد اختلاف کلی است.

اختلاف نظر

عصر او را از نه هزار سال قبل از مسیح گفته اند تا

قرون ششم و پنجم قبل از مسیح: بنابراین میتوان این عقاید مختلف را به چهار طبقه تقسیم کرد.

۱ - کسانی که تاریخ زردشت را ۶۰۰۰ سال قبل از مسیح الی

زمان دورتری تصور کرده اند.

۲ - مورخینی که حد وسط را گرفته اند.

۳ - کسانی که زردشت را بانمرو دوا و ابراهیم و بعل و غیره مشتبه کرده اند.

۴ - معتقدین به سنت قدیم زردشتیان که عهد زردشت را بین قرن

هفتم و ششم قبل از مسیح میدانند و این نظریه بیشتر از دو نظریه دیگر

مورد توجه و قبول دانشمندان و مورخین و شرق شناسان کنونی است.

اغلب فلاسفه و مورخین قدیم یونان در کتب خود

طبقه اول

عهد زردشت را شش هزار سال قبل از مسیح ضبط

کرده اند. افلاطون فیلسوف نامی یونان زردشت را مؤسس آئین مغ معرفی

میکند. ارسطاطالیس و ادوکوس Eudocus و هرمیپوس Hermippus و

پلین بزرگ Pliny The elder و هرمدر Hermoder و پلوتارک Plutarque

عهد زردشت را شش هزار سال قبل از وفات افلاطون یا پنج هزار سال پیش از

جنگ تریاس Troyas میدانند. این نظریه امروز در میان شرق شناسان و متبعین

طرفداری ندارد و آنرا بکلی غلط میدانند و معتقدند این اشتباه از سوء

تعبیر عقیده زردشتیان نسبت به خلقت زمین ناشی شده است. توضیح

آنکه بموجب تعلیمات اوستائی و سایر نوشته های پهلوی زمان را بردو

نوع قرار داده اند: زمان نامتناهی و زمان خلقت جهان. بندهشن وزات

سرم این مطلب را مفصلاً شرح میدهد و گوید طول جهان ۱۲۰۰۰

سال است که به چهار عهد متساوی منقسم شده، عهد اول خلقت جهان

معنوی و طول مدت آن سه هزار سال است عهد دوم خلقت جهان مادی و طول آن سه هزار سال است، عهد سوم عهد مجادله با اهریمن و طول مدت آن سه هزار سال است عهد چهارم عهد زردشت تا روز محشر. ضمناً اشاره شده که فروشی Fravoshi یا روح زردشت خیلی قبل از خود او خالق شده و ممکن است این اشاره موجب اشتباه طرفداران این نظریه شده باشد (برای رفع تخطئه این فلسفه خلقت باید خاطر نشان کرد که مقصود از سال که در این مورد ذکر شده ممکن است غیر از سال متعارفی باشد، یحتمل کنایه و رمزی در این تقویم مستتر باشد. آیا کتاب مذهبی برادران همجوار ماهدوان «مهابهارتا» صراحتاً نمیگوید که در نزد برهمنان دوازده هزار سال عبارت از یک روز است. و آیا در کتب علمی امروزه برای تعیین بعد مسافت برخی ستارگان که در اعداد نمی گنجد «سال نور» را ذکر نمیکنند که هر ثانیه آن نماینده ۳۰۰،۰۰۰ کیلومتر است؟)

برخی دیگر از مورخین حد وسط بین ۶۰۰۰ ق.م.

طبقه دوم

و قرن هفتم ق.م. را اتخاذ کرده اند. مثلاً بروسوس Berossus مورخ کلدی گوید زردشت از سال ۲۳۰۰ الی ۲۰۰۰ قبل از مسیح در کلدی سلطنت داشت و سرسلسله پادشاهان ماد بود. هاگ Haug نیز معتقد بود که عهد زردشت در حدود سنه ۲۳۰۰ ق.م. بوده و گلاندر نزدیکتر آمده و عهد او را ۱۰۰۰ ق.م. ذکر کرده است.

تیون Theion جستین Justin و سیداس Suidas و برخی دیگر خصوصاً کفالینون Kephalion که نقل از کتزیاس (طیب اردشیر دوم) میکند زردشت را معاصر نینوس و سیدامیس دانسته و شرحی راجع به جنتهائی که بین آشور و ماد در تحت سرگردگی نینوس و زردشت واقع شده بیان میکنند.

سوم طبقه کسانی هستند که بکلی در از حقیقت افتاده

طبقه سوم

زردشت را بانمرو و ابراهیم و بعل و غیره اشتباه کرده اند. چون بطلان این عقیده معلوم و معین است بهمین اشاره اکتفا کرده طبقه چهارم را که بیشتر طرف توجه و اعتماد است مورد بحث قرار میدهم.

این طبقه تاریخ زردشت را از ۲۵۸ الی ۳۰۰ قبل از فتح اسکندر میداند و چون اسکندر سلطنت هخامنشی را در سنه ۳۳۰ منقرض کرد لذا میلاد زردشت در حدود اواسط قرن هفتم قبل از مسیح قرار میگیرد. مدارك طرفداران این عقیده نسبتاً بیشتر طرف وثوق و اعتماد است. علمای عالی مقام مثل وست West، جکسن Jackson میه Millet و غیره عقیده مند باین روایت اند.

مدارك این طبقه را میتوان بدو قسمت تقسیم کرد

۱ - کتب پهلوی .

۲ - کتب مورخین عرب و ایرانی.

ارتا ویراف Arta Viraf، زات سپرم، بندهشن

کتب پهلوی

Bundahishn و دینکورت که کتب پهلوی هستند

و از آئین زردشت گفته گویم که باجزئی اختلاف تاریخ زردشت را در این عهد ثبت کرده اند. این کتب هر چند که در زمان نسبتاً متاخری تألیف شده (بندهشن در قرن هشتم و زات سپرم و ارتا ویراف در حدود قرن نهم) ولی مواد آنها از مدارك قدیم تر گرفته شده است. این تالیفات که از مواد قدیمه تدوین یافته و کتب مذهبی زردشت است اصولاً باید عمیق تر و بی غرض تر از دیگران باشد. لذا نگارشهای آنها نسبت بسایر تالیفات بیشتر طرف وثوق است بندهشن برای نشان دادن تاریخ رسالت زردشت صورت ذیل را بشرح مینویسد :

۹۰ سال	ویشاسپ از زمان رسالت
« ۱۱۲	وهومن سپندات
« ۳۰	همای
« ۱۲	دارای
« ۱۴	دارای دارای
« ۱۴	اسکندر

و چون ۳۰ سال که از زمان ولادت زردشت تا رسالت اوست بر ۲۷۲
 میافزاییم میلاد زردشت را ۳۰۰ سال پیش از فتح اسکندر یعنی ۶۳۰ سال قبل از
 مسیح تصریح میکند دانشمند انگلیسی وست Vest که تتبع مخصوصی در این
 مورد دارد صورت ذیل را تنظیم نموده و میلاد زردشت را در ۶۶۰ ق.م.
 قرارداده است:

۵۴۰-۶۶۰	ویشتاسب
۴۲۸-۵۴۰	وهمن (اردشیر دراز دست)
۳۶۳-۴۲۸	همای
۳۵۱-۳۶۳	دارای
۳۳۷-۳۵۱	دارای دارا
۳۳۱-۳۳۷	جلوس اسکندر تاهجوم او

در این موقع دادن تذکار مختصری نسبت بتاریخ ویشتاسب و وهمن
 بی مورد نیست. بدیهی است سلطنت ۱۲۰ ساله ویشتاسب و ۱۱۲ ساله و هومن
 خیلی دور از فهم بنظر میآید و برای حل این قضیه باید گفت که مقصود
 از سلطنت ۱۲۰ و ۱۱۲ ساله برای یک سلطان مخصوص نبوده بلکه راجع
 بسلسله ای است که باین اسامی نامیده میشدند.

۲ - مورخین ایرانی - مورخین اسلامی نیز از قبیل بیرونی، سعودی،
 و عرب طبری، فردوسی، بیروزیمان سنت اند. البیرونی از
 مورخین بسیار دقیق عالم اسلام بشمار میرود و مندرجات تاریخ مورد
 اعتماد است. البیرونی و معجم التواریخ صراحة میگویند که با مراجعه
 بنوشته های قدیم پهلوی و بهیر بدان و مؤبدان اقدام بضبط تاریخ کردند.
 باین معنی که آنچه لازمه کنجکاوی و تحقیق از برای صحت مندرجات
 خود بوده فرو گذار نکرده اند. تفصیلی که البیرونی نیز راجع بتاریخ
 زردشت ضبط کرده بایندهشن پهلوی مطابقت دارد و از ایتقرار است:

کی ویشتاسب تا رسالت زردشت ۳۰
 - - - از رسالت زردشت ۹۰

۱۱۲	کی اردشیر بهمن (وهومن)
۳۰	خومانی (همای)
۱۲	دارا
۱۴	دارای دارا

مسعودی و طبری نیز از زردشت تا اسکندر را ۳۰۰ سال ذکر میکنند هر چند که طبری در جدول بندی خود جزئی تغییری قائل شده است.

خلاصه
زمان سنت روز بروز بیشتر طرف توحه و قبول متبعین واقع میشود. وست، جکسن، و میه پس

از تحقیقات زیاد برله این عقیده رای داده اند. هاك Haug که معتقد به ۲۳۰۰ ق.م. و گلدنر Geldner و وندیشمن Vindischmann که به ۱۰۰۰۰

ق.م. معتقد بوده بالاخره بتاریخ سنتی ایمان آوردند. با این مراتب باز هم نمی توان بین قرون هفتم و هشتم قبل از مسیح را تاریخ حتمی تولد زردشت دانست چه بتناقض بسیاری بر میخوریم مثلاً.

۱- هرودوت (متولد ۴۸۴ ق.م.) که از وقایع ماقبل زمان سنتی زردشت گفتگو میکند اسمی از زردشت نمی برد.

۲- گاتها ذکر از وقایع قرون ۷ و ۶ ق.م. نمی کند.

۳- کتیبه های هخامنشی هیچ اشاره راجع بزردشت ندارند.

۴- زبان گاتها با کتیبه های هخامنشی اختلاف کلی دارد.

۵- اجداد و یشتاسب عصر زردشت با گشتاسب پدر داریوش موافقت ندارند

بنا برین سال ۶۶۰ ق.م. را باید با تردید پذیرفت یعنی حد اقل قدمت زردشت دانست. شاید حفریاتی که امروزه در چندین نقطه از امکنه

قدیم ایران میشود مدارك متقنی از زوایای قرون متمادیه فراموشی بیرون آورده ما را از تردید خارج ساخته تاریخ و خشور بزرگ ایران

و مایه افتخار نواد آریان را روشن تر گرداند.